

برنامه سوم چگونه می‌تواند بخش بازرگانی را سامان دهد

اشاره:

تأمین ارز مورد نیاز استمرار روند رشد و توسعه اقتصادی کشور بدون اتکاء به صادرات نفت و حذف اثرات منفی نوسان‌های قیمت نفت بر اقتصاد ملی، تدوین راهبردی برای جهش صادرات غیرنفتی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

اقتصاد ایران اگر بخواهد به مسیر رشد و توسعه خود ادامه دهد و هر چه سریع‌تر به مرحله توسعه‌یافتگی قدم نهد، راهی جز تلاش پیگیر و همه‌جانبه برای رشد صادرات غیرنفتی ندارد و در این راستا دستیابی به توازن در تراز تجارت خارجی و حساب جاری کشور الزامی می‌باشد.

در راستای تدوین سومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، اهداف، راهبردها و سیاست‌های بازرگانی داخلی و خارجی می‌بایست طراحی شود تا بتوان بر مبنای برنامه‌ای روشن، فعالان و کارآفرینان اقتصادی، به‌ویژه در بخش خارجی، به سوی دستیابی به اهداف تجارت خارجی رهنمون شد.

در این گزارش به عمده‌ترین اهداف و راهبردها و سیاست‌های بازرگانی که می‌تواند ایران اسلامی را از وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی نفت و آثار زیانبار آن بر اقتصاد و زندگی مردم رها سازد، اشاره داریم.

رتال جامع علوم انسانی

با وجود آنکه در سال‌های اخیر تراز بازرگانی خارجی ایران همواره با مازاد مواجه بوده است، اما سهم نفت در مجموعه ارزش‌آوری صادرات کشور حدود دوسوم بوده که ضربه‌پذیری اقتصاد ملی از نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی را سبب شده است.

انتظار می‌رود که ارزش صادرات کشور در سال جاری نیز حدود ۱۳/۵ میلیارد دلار (۱۰ میلیارد دلار از نفت و حدود ۳/۵ میلیارد دلار از صدور

کالاهای غیرنفتی) باشد که چنانچه واردات در سطح سال گذشته (۱۴/۵ میلیارد دلار) باشد، کسری یک میلیارد دلاری در تراز بازرگانی مثبت خواهد شد.

تغییر این روند منفی در تجارت خارجی که خواه و ناخواه بر تجارت داخلی، سطح قیمت‌ها و ثبات اقتصادی آثار زیانباری خواهد داشت، مستلزم تلاش برای گسترش صادرات غیرنفتی، تنوع‌بخشی به اقلام صادراتی، راهیابی به

بازارهای نو ... می‌باشد.

با عنایت به رشد تقاضای داخلی در اثر افزایش جمعیت کشور و نیازهای ادامه روند توسعه اقتصاد ملی، چنانچه روند صادرات غیرنفتی مانند سال‌های اخیر و با کندی، فراوان روبه‌رو باشد، در دهه آینده اقتصاد ایران با دشواری‌های بسیار مواجه می‌شود و آثار زیانبار آن بر زندگی مردم (عدم ایجاد فرصت‌های اشتغال، افزایش بهای کالاها و خدمات مصرفی مردم، افت آرایه خدمات دولتی،

کندی روند توسعه اقتصادی و... به سهولت قابل پیش‌بینی است.

با این وصف در سومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، تأکید بر جهش صادرات غیرنفتی الزامی است. بخش بازرگانی می‌بایست اهداف روشنی را تعیین و برنامه‌های وسیعی را برای تحقق این اهداف طراحی کند.

با توجه به شرایط موجود و پیش‌بینی‌های نه‌چندان مطلوب از استمرار روند کنونی، توسعه صادرات غیرنفتی و قطع وابستگی اقتصاد ملی به صادرات نفت و دستیابی به سهم مناسب با امکانات کشور در تجارت دنیا، مهم‌ترین هدف تجارت خارجی خواهد بود.

در همین حال توجه به وضع بازرگانی داخلی نیز ضرورت دارد. در این راستا تأمین کالاهای اساسی و ضروری کشور اهمیت بسزایی دارد.

اصلاح الگوی مصرف، دومین هدفی است که باید مدنظر برنامه‌ریزان اقتصادی قرار گیرد.

در حال حاضر الگوی مصرف در ایران، با استانداردهای بین‌المللی تفاوت چشمگیری دارد و نشان از اتلاف منابع و حیف و میل مواد غذایی و... می‌باشد.

اصلاح الگوی مصرف از طریق نظارت بر واردات، کاهش ضایعات و مصرف صحیح، می‌تواند منابع مالی بیشتری را برای رشد صادرات تأمین و مازاد کالایی بالاتری را برای عرضه در بازارهای خارجی در دسترس قرار دهد.

کارشناسان عقیده دارند که با اصلاح سیستم توزیع، تولیدکنندگان و

مصرف‌کنندگان می‌توانند مواد اولیه و کالاهای موردنیازشان را با سرعت بیشتر و هزینه کمتر به دست آورند و با این شیوه حاشیه سود سوداگران و دلالتان کالا کاهش یافته و با قیمت‌های پایین‌تر و قابل دسترس، نه تنها تولیدات داخلی ارزان‌تر تمام خواهد شد و قدرت رقابت در بازارهای جهانی برای این کالاها بیشتر خواهد شد، بلکه مصرف‌کنندگان نیز از سطح معقول قیمت‌ها رضایت خاطر به دست خواهند آورد و فشارهای اقتصادی برای خانوارهای کم‌درآمد تقلیل می‌یابد.

اصلاح سیستم توزیع داخلی واسطه‌های غیرضرور به چرخش

○ در تعیین راهبردها برای ایجاد جهش اساسی در صادرات غیرنفتی، در مرحله نخست باید راهبرد توسعه اقتصادی بر مبنای جهش صادرات گزینش شود.

سرمایه‌ها از فعالیت‌های دلالتی و واسطه‌گری به امور تولیدی نیز کمک خواهد کرد.

از دیگر اهداف بخش بازرگانی می‌توان به حمایت واقعی از اقشار آسیب‌پذیر و فقرزدایی و نیز حقوق مصرف‌کنندگان اشاره کرد. عدالت اجتماعی حکم می‌کند به اقشار کم‌درآمد که قادر به تأمین مایحتاج زندگی خود نیستند، کمک شود. این امر مستلزم آن است که در بعد اعطای یارانه‌ها دقت نظر بیشتری مبذول گردد. یارانه‌ها باید هدفمند باشد و به‌طور مستقیم به اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر اعطا شود. تدوین نظام جامع تأمین اجتماعی که در طرح ساماندهی اقتصادی نیز بدان تأکید شده

است، ضرورت دارد و می‌بایست در دستور کار مقام‌های ذی‌ربط دولتی قرار گیرد.

با عنایت به این امر که رشد صادرات تنها از طریق افزایش تولیدات قابل رقابت از نظر قیمت و کیفیت میسر است، تسهیلات تجاری تأثیر بسزایی در دستیابی به اهداف جهش صادرات غیرنفتی خواهد داشت. در این راستا ضرورت دارد که مقررات حاکم بر بازرگانی خارجی، تعرفه‌ها و... به‌گونه‌ای تنظیم و اعمال شود که مشوق رشد تولید ملی و صادرات غیرنفتی باشد.

در تعیین راهبردها برای ایجاد جهشی اساسی در صادرات غیرنفتی کشور ضرورت دارد که در

مرحله نخست، راهبرد توسعه اقتصادی کشور بر مبنای جهش صادرات گزینش شود. فاصله بسیار میان عملکرد اقتصاد ایران با دیگر کشورهای روبه‌رشد و عدم تعادل‌های

موجود در آن باعث می‌شود که در تعیین راهبرد توسعه اقتصادی به چیزی جز جهش صادرات (چندین برابر شدن ارزش صادرات غیرنفتی) رضایت ندهیم. آمارهای عملکرد کشورهای در حال توسعه در سال‌های (۹۷-۱۹۹۱) گواه بر آن است که میانگین رشد اقتصادی آنها طی این دوره زمانی به شش درصد رسیده است، در حالی که در ایران چنین نبوده است. رشد اقتصادی ایران در سال ۷۴ به ۴/۵ درصد، در سال ۷۵ به ۵/۲ درصد و در سال گذشته به ۲/۹ درصد رسید.

تورم که تأثیر غیرقابل انکاری در قدرت تولیدات در بازارهای جهانی دارد، هنوز در اقتصاد ایران مهار نشده است. در حالی که کشورهای در حال توسعه جهان

موفق شدند از ابتدای دههٔ میلادی جاری به تورم یکرقمی دست پیدا کنند (میانگین نرخ تورم کشورهای در حال رشد در سال‌های ۹۷-۱۹۹۰ به ۹ درصد رسید)، طی این دوران «تورم» ایران همواره دورقمی بوده و حتی در سال ۱۳۷۴ به ۵۰ درصد رسید. اگرچه این میزان به ۱۷/۳ درصد در سال گذشته کاهش یافت، اما ثبت رقم ۱۸/۱ درصدی تورم در نیمهٔ نخست سال ۷۷ گواه از تقویت فشارهای تورمی در اقتصاد ایران است که خواه و ناخواه بر افزایش بهای کالاها و خدمات قابل عرضه در بازارهای جهانی و کاهش توان رقابت آنها در عرصه‌های بین‌المللی تأثیر دارد.

با این وصف، مهم‌ترین و نخستین اقدام، اتخاذ راهبرد توسعهٔ اقتصادی در برنامهٔ سوم بر مبنای جهش صادرات باید انتخاب شود. در غیر این صورت با

فقدان دورنمای روشن برای بازار جهانی نفت، افزایش میانگین هزینهٔ تولید نفت از منابع ایران و رشد جمعیت و به تبع آن تقاضا، نه تنها رشد اقتصادی کشور متوقف خواهد شد، بلکه دولت در تأمین نیازهای اساسی مردم نیز با دشواری و تنگناهایی روبه‌رو خواهد شد. ماحصل چنین فرآیندی نه تنها عقب‌افتادگی اقتصادی، بلکه برهم خوردن ثبات سیاسی و اجتماعی است.

به عقیدهٔ کارشناسان، پیروی از سیاست توسعهٔ صادرات و دستیابی به نرخ رشد صادرات سالانه به میزان ۸/۴ درصد منظور شده در دومین برنامهٔ پنج‌سالهٔ توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دیگر پاسخ‌گوی

نیازمندی‌های اقتصاد ایران برای تحرک، شکوفایی و توسعه نمی‌باشد، بلکه باید راهبردهایی گزینش شود که ارزش صادرات غیرنفتی کشور در سال ۱۴۰۰ دست‌کم به ۱۵۰ میلیارد دلار برسد.

در این راستا برنامه‌ریزی برای پیشبرد کارآیی تجاری الزامی است. براساس برآورد وزارت بازرگانی برای صادرات ۲۰۰ میلیارد دلار کالا در سال با میانگین بهای ۴۰ سنت برای هر کیلو، می‌بایست ۵۰۰ میلیون تن کالا جابه‌جا شود و برای تحقق این امر، استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای کنونی جوابگو نیست. لذا ضرورت دارد که کارآیی تجاری

○ از آنجا که جهش صادرات بدون دستیابی به جهش تولید و عرضه کالاها و خدمات میسر نیست، لذا در اتفاد سیاست‌های کلان اقتصادی باید تأمین منابع لازم، فن‌آوری و... برای رشد تولید ملی در دستور کار دولت قرار گیرد.

افزایش پیدا کند.

ایجاد بستر مناسب برای رشد صادرات غیرنفتی از طریق بازبینی مستمر بر قوانین و مقررات حاکم بر تجارت و از میان برداشتن موانع قانونی و اداری، جلب مشارکت مردم و گسترش و تعمیم فرهنگ صادرات در میان توده‌های مردم و افزایش مشارکت نیروهای جوان در بازاریابی و صدور کالاهای غیرنفتی، فراهم ساختن شرایط لازم برای خلق مزیت‌های نسبی تازه و استفادهٔ بهینه از مزیت‌های نسبی موجود در اقتصاد کشور برای شکوفایی صادرات غیرنفتی، الزامی است. باید توجه داشت که جهش صادرات با درک صحیح مزیت‌های نسبی در تولید و صادرات و نیز ایجاد زمینه

برای بروز مزیت‌های نسبی تازه میسر می‌گردد.

به عقیدهٔ کارشناسان در دنیای امروز، برخورد انفعالی با مزیت نسبی که یک پدیدهٔ پویا و پیوسته در حال تغییر است، ابدأ نمی‌تواند کارساز باشد. به عبارت دیگر با اتخاذ سیاست‌های مناسب بازرگانی، مالی و صنعتی می‌توان به خلق مزیت‌های نسبی تازه در اقتصاد و بهره‌گیری از آنها در تجارت دست یافت. در همین حال جهش صادرات بدون دستیابی به جهش در تولید و عرضهٔ کالاها و خدمات امکان‌پذیر نیست. لذا در اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی نیز تأمین

منابع لازم، فن‌آوری و...، برای رشد تولید ملی ضروری است. در این راستا توجه به بافت سرمایه ثابت در تولید ناخالص داخلی ضرورت دارد. در حال حاضر سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در تولید ناخالص

ملی ایران حدود ۱۶ درصد است که می‌بایست به سرعت افزایش پیدا کند. در همین حال حدود دوسوم این رقم به سرمایه‌های بخش ساختمان و مسکن تعلق دارد که به‌طور اساسی در رشد صادرات تأثیر ندارند.

استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مناسب برای تشویق پسرانداز ملی و سرمایه‌گذاری در طرح‌های صادراتی، مهم‌ترین وظیفهٔ قانون‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصاد ملی می‌باشد. در این راستا تلاش برای جذب سرمایه‌های خارجی و فن‌آوری روز دنیا الزامی است. این امر نه تنها تنگناهای مربوط به تأمین منابع جدید سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد، بلکه توان رقابت تولیدات ملی که

به لحاظ عقب‌ماندگی دانش فنی و فن‌آوری به‌کار رفته در آنها، رو به تضعیف است را نیز درمان خواهد کرد.

از این رو حتی در اتخاذ سیاست‌های مربوط به مناسبات خارجی باید دقت کافی مبذول گردد. در این راستا، ضرورت دارد گسترش مناسبات خارجی با کشورهای صاحب سرمایه و فن‌آوری و نیز منابع مالی بین‌المللی، مدنظر قرار گیرد. توجه به این نکته که بسیاری از ملل بسرای تحقق اهداف اقتصادی، برنامه‌ریزی دقیقی در تنظیم سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی‌شان به‌عمل می‌آورند، و از این رهگذر مسیر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورشان را هموار می‌سازند، ضرورت دارد.

کارشناسان اقتصادی عقیده دارند که در اصلاحات اقتصادی در برنامه سوم، جهت‌دهی سرمایه‌گذاری‌ها به طرح‌های تولیدی برای صادرات می‌بایست مدنظر قرار گیرد. سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی در طرح‌های اقتصادی مولد می‌بایست با هدف عرضه تولیدات و خدماتشان در بازارهای خارجی شکل بگیرد و دولت تمامی تسهیلات قابل‌ارایه خود را معطوف به این امر کند.

تنها در این شرایط است که علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری جهت استفاده از تسهیلات مربوطه (نرخ کارمزد و سود ترجیحی اعتبارات بانکی، امکانات ارزی و...) به سوی صادرات و سرمایه‌گذاری برای صادرات سوق پیدا می‌کنند. وزارتخانه‌های ذی‌ربط از جمله بازرگانی، صنایع، معادن و فلزات، کشاورزی، تعاون، جهاد سازندگی، بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه می‌بایست طرح‌هایی را جهت ساماندهی

ارایه تسهیلات به صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران در طرح‌های تولیدی برای صادرات تدوین نمایند و در این راستا همکاری و هماهنگی قوی میان خود و نیز با بخش خصوصی و تعاونی درگیر در تولید و صادرات را برقرار سازند، تا بتوانند مسایل و مشکلات فراراه صادرات را در اسرع وقت شناسایی کنند و در جهت رفع آنها مساعدت نمایند.

حمایت منطقی و محدود از تولیدات داخلی و سوق دادن تمامی حمایت‌ها به سوی تولیدات با هدف صادرات و تقویت بنیه صادرات، الزامی است. از آنجا که بخش صنعت می‌بایست در رشد تولید و صادرات نقش اساسی را ایفا کند، ضرورت دارد که حمایت از این بخش با مبنای رشد صادرات شکل پیدا کند و به گونه‌ای اعمال گردد که قدرت رقابت تولیدات صنعتی در بازارهای جهانی را تقویت کند. حمایت از صنعتی که با وجود محدودیت تقاضا در بازار داخلی با مشکل روبه‌روست، نه تنها کارساز نخواهد بود، بلکه منابع و تسهیلات ارایه شده را نیز به‌هدر می‌دهد. به عبارت دیگر برای استفاده بهینه از منابع و امکانات محدود اقتصاد ملی ضرورت دارد که گزینه صادرات در صدر قرار گیرد و بر مبنای آن تسهیلات میان بخش‌ها و گروه‌های درگیر در تولید و صادرات توزیع گردد. این حمایت‌ها حتی می‌تواند در جهت خلق مزیت‌های نسبی جدید به‌کار آفتد و مؤثر واقع شود.

در همین حال توجه به نظام ارزی و نرخ ارز در ارزیابی سیستم‌های کلان اقتصادی الزامی است، زیرا که بخش قابل‌توجهی از تولیدات ملی برای بهبود کیفیت و دستیابی به فن‌آوری روز تا حدودی به دنیای خارج وابسته خواهد بود و از سوی دیگر توان رقابت تولیدات

در بازارهای جهانی به نرخ مؤثر ارز بستگی خواهد داشت. لذا برنامه‌ریزی دقیق برای جذب و صرف بهینه منابع ارزی الزامی است.

کارشناسان اقتصادی عقیده دارند که برای جهش صادرات غیرنفتی کشور، اولویت صادرات بر تأمین و اشباع بازار داخلی، اولویت در تخصیص منابع ارزی و ریالی و نیز اعتبارات بانکی، ایجاد ارتباط منطقی بین تأمین نیازهای ارزی و صادرات، حمایت از تشکلهای صادراتی، تمرکز سیاست‌گذاری در وزارت بازرگانی، پذیرش اصل صادرات در گزینش و هماهنگ‌سازی سیاست‌های مالی، پولی، ارزی و صنعتی، جذب مشارکت سرمایه‌ها و فن‌آوری خارجی، تسهیلات گمرکی، رعایت الزامی استانداردهای بین‌المللی در تولید کالاها و عرضه خدمات، ایجاد بانک‌های اطلاعاتی قوی در زمینه بازرگانی و ارایه خدمات موردنیاز صادرکنندگان، حمایت از نوآوری، تحقیق و توسعه در صنعت و دانشگاه، استفاده گسترده از تجارت الکترونیکی، تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد زیربنای ضروری برای صادرات مانند حمل و نقل، تجهیزات بندری و... بهره‌گیری از فرصت‌های تجاری، محور قرار دادن صنعت در صادرات و حمایت منطقی از تقویت بنیه صادرات واحدهای صنعتی، تأمین نیازهای اساسی مردم، اصلاح الگوی مصرف و نیز سیستم توزیع داخل و نیز حمایت از اقشار آسیب‌پذیر با هدفمند کردن سیستم اعطای یارانه و... برای جهش صادرات غیرنفتی مؤثر می‌دانند.

